

China's goals of mediating between Iran and Saudi Arabia

Hadi zoka dadgostar¹
Reza Jalali²

Abstract

One of the foreign policy actions of countries is mediation. In the system of international relations, a country that has the power of mediation shows that it has a strong political weight. One of the characteristics of China's foreign policy is that this country not only has a significant economic weight in the international system, but it has also tried to increase its political weight in various ways. One of these ways is mediation between Iran and Saudi Arabia. This study attempts to examine China's foreign policy objectives in mediating between Iran and Saudi Arabia. The findings show that given the position and power of Iran and Saudi Arabia in the West Asian region, China has tried to mediate the stability and security of the region and ensure its energy security, in addition to demonstrating its political weight and influence in the region. It has gained power in front of the US and also the development of political and economic relations in the Persian Gulf region.

Keywords: China, Foreign Policy, Mediation, Iran, Saudi Arabia

¹ Ph.D. student of International Relations, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran. H.zokadadgostar@yahoo.com

² Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Dr_rezajalali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 16, Summer 2023

سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۴۰۲

ppt 59-77

صفحات ۷۷-۵۹

اهداف چین از میانجیگری بین ایران و عربستان

هادی ذکاء دادگستر^۱

رضا جلالی^۲

چکیده

یکی از اقدامات سیاست خارجی کشورها میانجیگری است. در نظام روابط بین‌الملل کشوری که از قدرت میانجیگری برخوردار باشد نشان می‌دهد که دارای وزن سیاسی قوی است. از ویژگی سیاست خارجی چین این است که این کشور نه تنها دارای وزن اقتصادی قابل توجهی در نظام بین‌الملل است بلکه تلاش داشته است تا وزن سیاسی خود را به طرق مختلف افزایش دهد. یکی از این اقدامات میانجیگری بین ایران و عربستان است.

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا به اهداف سیاست خارجی چین برای انجام این میانجیگری پرداخته شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که چین بادر نظر گرفتن جایگاه و قدرت ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا تلاش داشته است تا با میانجیگری خود اولاً به ثبات و امنیت منطقه و تضمین امنیت انرژی خود مبادرت ورزد به علاوه نشان دادن وزن سیاسی و

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
H.zokadagostar@yahoo.com

^۲ استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

نفوذ خود در منطقه، قدرت‌نمایی در برابر آمریکا و همچنین توسعه روابط سیاسی در کنار اقتصادی در منطقه خلیج فارس را به دست آورد.

واژگان کلیدی: چین، سیاست خارجی، میانجیگری، ایران، عربستان

مقدمه

چین به عنوان یک قدرت اقتصادی بزرگ توانسته است تا جایگاه خود را در نظام بین‌الملل چنان ارتقا دهد که بسیاری از سیاستمداران و اندیشمندان خیزش آن را عامل مهمی در دگرگونی نظام بین‌الملل بدانند. با این حال به نظر می‌رسد در حالی چین تلاش داشته است تا خود را یک بازیگر اقتصادی و بدون مداخله در امور منطقه یا سیاست داخلی کشورها نشان دهد که مورد استقبال بسیاری از سوی کشورها برای همکاری واقع شده است. با این حال باید در نظر داشت که عدم مداخله به معنای بی تفاوتی چین به تحولات و پدیده‌های سیاسی نیست و تا حدی که بتواند سعی دارد از اهرم سیاسی خود در نظام بین‌الملل نیز به درستی استفاده کند. حال در شرایطی که نیاز این کشور به داشتن روابط به‌ویژه در راستای تامین انرژی که ضامن امنیت اقتصادی این کشور است روابط چین با کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای غرب آسیا یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های این کشور می‌باشد چراکه غرب آسیا دارای منابع انرژی غنی است، از جمله نفت و گاز طبیعی.

چین به این منابع برای تامین نیازهای انرژی خود بسیار وابسته است و به دنبال عقد قراردادهای استخراج و واردات این منابع از غرب آسیا است. در این میان ایران و عربستان دو کشور مهم در سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شوند. چین با در نظر گرفتن نیاز و اهمیت خود به گسترش روابط با کشورهای منطقه و درک وجود تنش‌های بین کشورها سیاست خود را در راستای منافع ملی خود تنظیم می‌کند. بدون شک وجود منطقه‌ای امن و بدون تنش در غرب آسیا می‌تواند این کشور را که همیشه نگران امنیت اقتصادی خود است یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در سیاست خارجی این کشور لحاظ می‌شود. این کشور آگاه است که بازخوردهایی که روابط ایران و عربستان می‌توانند بر حوزه سیاست، انرژی، امنیت و اقتصاد داشته باشند به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر منافع ملی این کشور نیز تاثیرگذار است. بنابراین تلاش داشت تا از طریق میانجیگری بین ایران و

عربستان که از سال ۲۰۱۶ روابط خود را قطع کرده بودند تنش‌ها را به سمت عادی‌سازی روابط ببرد.

با این حال موضوعی که باید مورد ملاحظه قرار بگیرد این است که اهداف آشکار و نهان چین از این اقدام سیاست خارجی چیست. به عبارت دقیق‌تر این پژوهش به دنبال واکاوی سیاست خارجی در این موضوع است و سوالی که تلاش دارد به آن پاسخ بدهد این است که چین چه اهدافی را از میانجیگری بین ایران و عربستان تعقیب کرده است؟ فرضیه مطرح شده این است که چین سه هدف عمده و اصلی در این میانجیگری دارد. نخست افزایش نقش و وزن سیاسی چین در منطقه غرب آسیا، دوم تضعیف نفوذ آمریکا و تأثیرگذاری آن بر منطقه، سوم تضمین منافع ملی خود. برای بررسی راهبرد سیاست خارجی چین از نظریه نواقع‌گرایی بهره برده شده است چرا که این نظریه بر تاثیر ساختارها بر روابط و تعاملات کشورها تاکید دارد. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

چارچوب نظری

از دید واقع‌گرایان و نواقع‌گرایی گرایان روابط بین‌الملل اساساً حول قدرت و امنیت در مناسبات میان دولتها دور میزند اصل مسئله دولتها قدرت آنها و با توجه به پیامدهای آنارشی - عدم امنیت آنهاست. واقع‌گرایان همگی بر آن هستند که تجلیات و تأثیر قدرت و عدم امنیت به سیاست بین‌الملل و رشته مطالعاتی ناظر بر آن هویت متمایزی می‌بخشد. دیگر وجوه روابط بین‌الملل که کم‌هم نیست حائز اهمیت و موضوعیت کمتری شناخته می‌شود ادعا می‌شود که این برداشت که نخستین بار لقب «واقع‌گرایی گرفت بیشترین مطابقت را با موضوع مورد مطالعه دارد. بنابراین اصل مطلب در سیاست بین‌الملل و در واقع ویژگی تعیین‌کننده آن عدم امنیت است. همین ویژگی است که آن را از دیگر انواع سیاست متمایز و شایسته شناخت نظری متفاوتی می‌سازد سیاست داخلی هم میتواند

مالامال از ناامنی باشد اما تنها هنگامی که به شدت مغشوش یا دچار نارسایی شده باشد ولی سیاست بین‌الملل در حالت عادی پیوسته دستخوش ناامنی است. اصل مطلب همین است زیرا هیچ چیز مهمتر از این نیست یا تأثیری ژرف‌تر از این بر رفتار دولت‌ها نمی‌گذارد (طیب و بزرگی، ۱۳۸۳: ۸۳).

نواقعی گرای با به تصویر کشیدن یک نظام سیاسی بین‌المللی مفهوم ساختار سیستمی را توسعه می‌دهد که طی آن بتوان فهمید که چگونه ساختار نظام و تنوعات در آن واحدهای تعاملی و نتایجی را که آن‌ها به بار می‌آورند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ساختار بین‌المللی از تعاملات دولت‌ها سر برمی‌آورد و سپس آنها برای انجام اقدامات خاصی مادامی که به سوی دیگران می‌کشاند، تحت فشار قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر این ساختار است که روابط سیاسی واحدهای متشکله را تشکیل بخشیده، تحت فشار قرار می‌دهد. نظام هنوز فاقد اقتدار مرکزی و آشوب‌زده است و هنوز واحدها مستقل فرض می‌شوند ولی عنایت به سطح ساختاری تحلیل ما را قادر می‌سازد تا تصویر پویاتر و کمتر دست و پاگیر از رفتار سیاسی بین‌المللی داشته باشیم (قوام، ۱۳۹۴: ۸۵).

از نظر والتز فشارهای رقابتی برای بقا در یک نظام آنارشیک جامعه‌پذیری دولت‌ها را موجب می‌شود. منظور والتز از جامعه‌پذیری آن است که دولت‌ها به تدریج با توجه به پاداش‌ها و مجازات‌هایی که با رفتارهای خود از سمت ساختار دریافت می‌کنند رفتار مناسب را درمی‌یابند و همین امر شباهت رفتاری میان آن‌ها می‌شود؛ بنابراین جامعه‌پذیری از طریق ساختار و به صورت جبری برای دولت‌ها ایجاد من می‌شود. به عبارت دیگر ساختار مستقل از خصوصیات واحدها و تعاملات میان آنها رفتارشان را تعیین می‌کند. دولت‌ها قصد ندارند تا از طریق جامعه‌پذیری هنجارها و قواعد نظام بین‌المللی را درونی کنند بلکه هدف آن‌ها تعدیل رفتار و پذیرش مشوق‌ها و محدودیت‌های خارجی است (رسولی ثانی آبادی، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

با در نظر گرفتن چارچوب نظری نوواقع‌گرایی باید این مسئله را بیان کرد که آنچه برای سیاست‌کشورها مهم است جایگاه آن‌ها در نظام بین‌الملل و ارتقای توانمندی‌های خود در این راستا است. از همین رو چین تلاش دارد تا بتواند بر مسائلی که بر جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل تاثیر دارند از طریق میانجیگری وارد شود. باید این نکته را در نظر داشت که کشورها بر اساس منافع ملی خود سیاست‌های خود را تدوین می‌کنند و از این رو یک کشور بدون در نظر گرفتن منافع ملی خود اقدام نخواهد کرد. بدین ترتیب باید گفت تنش بین ایران و عربستان می‌تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر سیاست خارجی چین و جایگاه آن در نظام بین‌الملل تاثیر بگذارد که در ادامه به بررسی اهداف چین از میانجیگری بین ایران و عربستان پرداخته خواهد شد.

اهداف چین از میانجیگری میان ایران و عربستان

میانجی‌گری، مداخله یک واسطه‌ماهر و بی‌طرف است که برای تسهیل حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین طرف‌ها از طریق مذاکره فعالیت می‌کند. بدین ترتیب، میانجی‌گری اساساً رویکردی صلح‌آمیز، غیر قهری و غیر الزام‌آور به مدیریت منازعه است که طرف‌های درگیر آزادانه وارد آن می‌شوند (عذیری، ۱۴۰۲: ۸۷). در اکثر نظریه‌ها، میانجی‌گری به معنای اقدام برای جلب توافق و تأثیرگذاری بر طرفین مناقشه تعریف شده است. در این تعاریف توانایی میانجی برای حل مشکلات، جلب نظر موافق طرفین درگیر در مناقشه و درک وضعیت‌های متفاوت بسیار مهم است و لذا برای رسیدن به یک تعریف جامع از میانجی‌گری لازم است، چهار عنصر اساسی شامل زمینه میانجی‌گری، طرفین مناقشه، میانجی و روش میانجی‌گری را تعریف کنیم (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

- ۱- **زمینه میانجی‌گری:** زمینه میانجی‌گری در یک مناقشه زمانی فراهم می‌شود که تلاش طرفین مناقشه به بن‌بست رسیده باشد و هیچ یک از آن‌ها آمادگی تحمل هزینه‌های اضافی و یا از دست دادن جان افراد بیشتری را نداشته باشند
 - ۲- **طرفین مناقشه:** دو طرف مناقشه باید از نظر ذهنی و شرایط اجتماعی به طور کلی آمادگی حل و فصل مناقشه را داشته باشند و تا حدی به میانجی اعتماد کنند
 - ۳- **میانجی‌گر:** میانجی‌گر باید شخصیتی بی‌طرف، ماهر و غیر ذینفع در نتیجه حل و فصل مناقشه باشد تا بتواند به منظور دستیابی به توافقی پایدار در جهت تغییر و تقریب عقاید طرفین مناقشه از طریق به‌کارگیری غیراجباری ابزارهای مختلف اقدام کند (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).
 - ۴- **روش میانجی‌گری:** تهیه یک طرح کلان و نقشه راه با توجه به شرایط مناقشه و اختلافات اساسی طرفین درگیر بسیار مهم می‌باشد تا با انعطاف، حوصله و چانه‌زنی نسبت به اجرای آن اقدام شود.
- اقدام چین برای میانجی‌گری میان ایران و عربستان بدون شک با در نظر گرفتن موارد فوق بوده است. نخست اینکه چین از نظر زمینه دارای روابط سیاسی و اقتصادی مناسب با ایران و عربستان است و بدون شک می‌تواند از اهرم نفوذ خود استفاده کند. دوم اینکه ایران و عربستان از نظر ذهنی نیز آمادگی عادی‌سازی روابط را دارند چنانچه تلاش‌هایی که از سوی کشورهای منطقه انجام شده است گواه آن است هرچند به نتیجه مطلوب نرسیده بود. سوم اینکه چین از نظر اینکه خود را همیشه یک کشور بدون مداخله در امور داخلی و تنها یک بازیگر فعال معتقد به اصل همزیستی مسالمت‌آمیز است می‌تواند گزینه مناسبی برای میانجی‌گری باشد و در نهایت باید گفت چین برای میانجی‌گری

تلاش داشت تا زمینه گفت‌وگوی دو کشور را فراهم بسازد و از این‌رو روش میانجیگری آن بدون پیش شرط‌ها یا استفاده از واسطه‌ها بوده است به علاوه دو طرف نیز با مقامات سطح بالا در این فرآیند میانجیگری حاضر شدند که نشان از اهمیت مسئله برای دو طرف دارد. هیأت ایرانی به ریاست دریا‌دار علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی با هیأت عربستان سعودی به سرپرستی "مسعود بن محمد العیبان" وزیر کشور و مشاور امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد. پس از پنج روز مذاکره، دو طرف به توافقات متعددی دست یافتند (indonesia.mfa,1402) حال باید این نکته را در نظر گرفت که هدف چین تنها برای حل و فصل تنش بین این دو کشور نیست بلکه چین به دنبال اهدافی از این تنش‌زدایی است که در ادامه به سه هدف مهم این کشور اشاره خواهد شد. این اهداف شامل افزایش نقش و وزن سیاسی چین در منطقه غرب آسیا، دوم تضعیف نفوذ آمریکا و تأثیرگذاری آن بر منطقه و سوم تضمین منافع ملی خود است.

۱- افزایش وزن سیاسی چین

چین از لحاظ تاریخی علیرغم پیشرو بودن در عرصه اقتصادی، از مداخله در تضادها و اختلاف نظرها پرهیز کرده و در این زمینه میدان را به آمریکا واگذار کرده بود. اما پس از تحکیم جای پای خود در منطقه از نظر اقتصادی و اعتمادسازی سیاسی از طریق توافقاتی که با قدرت‌های بزرگ این منطقه انجام داد، زمینه را برای اقدامات سیاسی و روند ساز در منطقه فراهم کرد (Pis, 2023). با این حال چین از سال ۲۰۲۰ خواهان تنظیم مجدد معماری امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس بوده است و از همین رو مذاکرات ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۲۱ که عمدتاً در عراق و عمان به صورت ناکام انجام شده بود. و سایر کشورهای منطقه، از جمله کویت و پاکستان، در هفت سال گذشته بارها و بارها تلاش

کرده بودند ترتیبی برای مذاکره میان تهران و ریاض ترتیب دهند. در نهایت با میانجیگری چین در سال ۲۰۲۳ موفقیت آمیز شد. (Haghirian & Scita, 2023)

تنش‌زدایی با ایران نیز از طریق میانجیگری چین مورد پذیرش طرفین ایران و عربستان نیز واقع شد. رد پای چین در این پیشرفت دیپلماتیک این تصور را تقویت کرد که نقش چین در خلیج فارس و منطقه به طور قابل توجهی در حال افزایش است، به گونه‌ای که پیامدهایی فراتر از روابط تجاری و تجاری معمولی است. همچنین عدم حضور ایالات متحده به عنوان بازیگر اصلی در منطقه از نظر دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی را برجسته می‌کند. برای چین، این توافق، مشروعیت آن را به عنوان یک میانجی دیپلماتیک سنگین وزن که قادر به حل متخاصم‌ترین رقابت ژئواستراتژیک در منطقه است را تقویت کرد و این امر یعنی اولین شرایط برای تغییر موازنه استراتژیک در چارچوب رقابت با ایالات متحده در خلیج فارس ایجاد شده است. از نگاه محافل غربی سیاست چین برای قرار دادن خود به عنوان یک صلح‌ساز معتبر دامنه وسیع‌تری دارد که درگیری‌ها در سوریه، لیبی و یمن، به‌ویژه پس از این توافق را می‌تواند پوشش دهد. (Atlanticcouncilc, 2023) بدین ترتیب باید گفت میانجیگری چین موجب می‌شود که این کشور از یک بازیگر اقتصادی به یک بازیگر فعال سیاسی نیز تبدیل شود.

۲- تضعیف نفوذ آمریکا

با توجه به اینکه تاثیر ساختارها بر رفتار سیاسی یک امر تحمیلی است به نظر می‌رسد که نواقعی گرایي در اینکه ایران و عربستان تحت تاثیر ساختارها به سمت تنش‌زدایی رفته اند قابل بیان باشد. باید در نظر داشت که ظهور چین در عرصه نظام بین‌الملل و افزایش جایگاه این کشور بر ساختارهای نظام بین‌الملل تاثیر گذاشته است به طوری که نه تنها هژمونی آمریکا را غیر قابل پذیرش می‌نماید بلکه با نقشی که چین در نظام بین‌الملل بازی می‌کند بر چند جانبه‌گرایی تاکید بیشتر می‌شود. از همین رو این کشور در زمانی که آمریکا به

دنبال خروج از منطقه غرب آسیا و نگاه به شرق داشته است فرصت مناسبی را در جهت ابتکار عمل سیاسی و ایفای نقش میانجیگری پیدا کرده است.

اگرچه آمریکا با وجود بی‌اعتمادی که از سیاست‌های خود در منطقه برجای گذاشته مجبور به پذیرش نقش چین در این تنش‌زدایی روابط ایران و عربستان شد ولی برخی کارشناسان معتقدند که سیاست چین اغلب به اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها از جمله ایران پایبند است (ELdoh, 2023). در واقع چین با میانجی‌گری روابط ایران و عربستان وارد قلمرو جدیدی شده است. به عبارت دیگر، پکن اکنون آماده ورود به عرصه فعالیت دیپلماتیک و نفوذ سیاسی در امور جهانی است. از سوی دیگر، به دلیل قدرت اقتصادی و نظامی چین، آن کشور به سطحی از اعتبار سیاسی رسیده است که کشورهای جهان نیز آماده پذیرش فعالیت بیشتر چین در نظام بین‌الملل هستند. اکنون توانایی چین برای مذاکره و میانجی‌گری این کشور را به سمت مسئولیت پذیرفتن نقشی در سیستم بین‌المللی سوق داده است. تا همین چند سال پیش یکی از اصول سیاست خارجی چین محافظه‌کاری یا «ابهام‌دنگ» بود. اندیشه دنگ‌دنگ در مورد پنهان‌نگه‌داشتن قابلیت‌ها و زمان دادن به مسائل به عنوان ستاره هدایت‌کننده سیاست خارجی چین به مدت سی سال مورد استفاده قرار گرفت. در طول این مدت، چین در عرصه جهانی بسیار محتاط و منفعل بود. این روند در حدود سال ۲۰۰۹ تغییر کرد. در آن زمان چین متوجه شد که به میزان کافی از قدرت ملی دست‌یافته است و این رویداد هم‌زمان با بحران مالی جهانی و میزبانی پکن از المپیک ۲۰۰۸ بود. بحران مالی جهانی باعث شد که نفوذ قوی غرب کاهش یابد و چین در روابط بین‌الملل خود محتاطانه‌تر از قبل رفتار کند. از سال ۲۰۱۳، چین با رسیدن به قدرت شی جین‌پینگ و کاهش تدریجی نقش هژمونیک آمریکا در نظام بین‌الملل، به این نتیجه رسید که برای تأمین منافع ملی، مجبور به کنار گذاشتن سیاست محافظه‌کارانه دنگ‌دنگ شده است. بر این اساس، شاهد افزایش تدریجی نقش چین در تحولات بین‌المللی هستیم (Pis, 2023). بدین ترتیب همانطور که برخی از کارشناسان چینی در مورد

خاورمیانه بیان می‌کنند، این توافقنامه نقش چین را به عنوان تقویت‌کننده امنیت و ثبات در خاورمیانه، شریک توسعه و رفاه، و ترویج وحدت و خودسازی نشان می‌دهد. در اصل، مسئولیت چین به عنوان یک کشور قدرتمند را نشان می‌دهد. در همین حال، استفان والت، کارشناس آمریکایی، این توافق را یک زنگ بیدارباش برای آمریکا نامید، زیرا تلاش‌های چین برای نشان دادن خود به عنوان نیروی صلح در جهان را برجسته می‌کند، ردایی که ایالات متحده در سال‌های اخیر عمدتاً آن را رها کرده است (Jash, 2023).

با این حال پکن از سه چیز اجتناب کرد تا این توافق را تهدیدی بزرگ برای منافع ایالات متحده تلقی نشود. اول، چین به طور فعال وضعیت ایالات متحده را به عنوان تنها تامین‌کننده امنیت به چالش نکشید و منافع آن را تضعیف نکرد. بر اساس خرد متعارف در واشنگتن، صلح منطقه‌ای - به‌ویژه بین عربستان سعودی و ایران - پیش‌روی حیاتی برای ثبات منطقه‌ای در خلیج فارس است که با منافع استراتژیک ایالات متحده همسو است. بنابراین، چین به طور غیرمستقیم - و احتمالاً ناخواسته - ترجیحات ایالات متحده را با حفظ همسویی خود با نظم منطقه‌ای فعلی ارتقا داده است. دوم، چین از این توافق برای پر کردن غیرمستقیم خزانه ایران استفاده نکرد که نشان‌دهنده تبعیت مداوم چین از تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل است. ثالثاً، پکن به همراه ریاض و تهران به میانجی دیگری چون روسیه متوسل نشدند در نتیجه آمریکا از حساسیت کمتری به مسئله نگرست چراکه اگر این اتفاق می‌افتاد، به عنوان یک تحول منطقه‌ای و یک تغییر چشمگیر از اتحاد تاریخی خلیج فارس با ایالات متحده به سمت نظم جهانی جدید چینی/روس محور تلقی می‌شد (Aboudouh, 2023). با این حال هرچند نباید از تاثیر روابط اقتصادی و ابتکار سیاسی چین با کشورهای منطقه غرب آسیا چشم‌پوشی کرد ولی این تردیدها بیان می‌شود که چین تا چه میزان حاضر به درگیر کردن خود در حفظ عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه است و اینکه آیا زمینه برای اقدامات عادی بعدی نیز با ابتکار چین روی خواهد داد یا توسط کشورهای منطقه انجام خواهد شد.

۳- تضمین منافع ملی

چین از قدرت اقتصادی گسترده‌ی خود استفاده برای نفوذ سیاسی بهره می‌گیرد در حالی که این کشور بیشتر خود را یک بازیگر اقتصادی نشان میداد اما میانجیگری این کشور نشان داد که باید نقش این کشور را فراتر از بعد اقتصادی در نظر گرفت چراکه اقدام سیاسی آن در میانجیگری ایران و عربستان یک موفقیت دیپلماتیک برای این کشور محسوب می‌شود. با این حال باید در نظر گرفت که این اقدام سیاسی در راستای منافع اقتصادی باز قابل تفسیر است به طوری که از اهداف اصلی چین می‌تواند تضمین امنیت انرژی باشد؛ امنیت انرژی امروزه طیف گسترده‌ای از مباحث شامل افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب، تعیین سیاست‌های انرژی، مسائل زیست‌محیطی و انرژی جایگزین را دربرمی‌گیرد. بر این اساس برخی امنیت انرژی را ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی می‌دانند. امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل‌ونقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت است و امنیت اقتصادی به مسائل سرمایه‌گذاری مناسب برای تولید، توزیع و هم‌چنین قیمت‌های متعادل حامل‌های انرژی مربوط می‌شود (آقا علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۸).

راهبرد انرژی بخشی از راهبرد توسعه و امنیت ملی کشورهاست. امروزه رشد اقتصادی و قدرت سیاسی کشورها با امنیت انرژی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده است. بنابراین دولت‌ها در سراسر جهان همه ابزارهای خود، از دیپلماسی و اطلاعات تا اقتصاد و نیروی نظامی را در جهت تامین امنیت انرژی بکار می‌گیرند. در این ارتباط با توجه به اینکه نیاز به انرژی (نفت، گاز و آب) در حال افزایش است و حجم این منابع در حال کاهش است، بحث امنیت انرژی بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که توزیع نامتقارن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع در ژئواکونومیک انرژی، برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را در جایگاه

وارد کنندگان مهم قرار داده است. به عبارت دیگر از نظری، انرژی و راهبرد آن مانند هر موضوع پایه ای دیگر در اقتصاد بین الملل متأثر از کشمکش میان دو فضا، نگاه یا روند (صادرات و واردات) است که کشورها را در مسیر توسعه و قدرتمند شدن با انتخاب‌های دوگانه قرار می‌دهد (زیبا کلام و گودرزی، ۱۳۹۲: ۷۶).

باید گفت استراتژی امنیت انرژی چین بر مبنای هماهنگی قدرتمند میان منافع ژئوپلیتیکی و منافع مربوط به انرژی در این کشور شکل گرفته است. از نظر رهبران چین مسئله امنیت انرژی از چنان اهمیتی برخوردار است که نباید آن را صرفاً به بازارهای نفتی واگذار نمود. باید در نظر داشت که مصرف رو به تزاید انرژی چین و اجبار به تأمین آن از منابع خارجی از یک سو و نگرانی‌های جدی این کشور پیرامون توسعه اقتصادی باعث شده تا چین استراتژی متنوع سازی کانال‌های اقتصادی را در دستور کار خود قرار دهد. بر مبنای این استراتژی، چین تقریباً به دنبال پیوستن نقاط مختلف جهان برای گسترش ارتباط خود با سراسر جهان است. چینی‌ها با درک این موضوع در سال‌های اخیر تلاش‌های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای مرتبط با جاده ابریشم کرده‌اند تا در پرتو آن بتوانند سهم خود را از اقتصاد جهانی هر چه بیشتر افزایش دهند. با وجود اینکه حوزه خلیج فارس، مخزن انرژی جهان محسوب می‌شود امروز این نگرانی‌ها در اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران، وجود بی‌نظمی در منطقه، رقابت دوجانبه میان ایران و عربستان و همچنین نقش روسیه در منطقه تشدید شده است به طوری که همگی از منظر پکن می‌تواند به شکل بالقوه آثار مخربی بر امنیت عرضه انرژی در منطقه برجا بگذارد. (فرنیان و شبانی، ۱۴۰۱: ۴۲). به علاوه چین در رقابت با آمریکا و جنگ اقتصادی نیازمند آن است تا امنیت انرژی خود را تقویت کند. این راهبرد در قالب برقراری مناسبات با کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و عربستان می‌تواند این کشور را تا سالیان سال مطمئن سازد منتها تنش در روابط ایران و عربستان ممکن است احتمال حمله به سکوه‌های نفتی و خطوط انرژی را در پی داشته باشد از این رو سیاست پکن در خاورمیانه ارتباط با تمامی کشورهای تولید کننده منابع انرژی و

کمک به رفع تنش‌ها از جمله ایران و عربستان است؛ در سال ۲۰۱۹، زمانی که تأسیسات نفتی عربستان توسط حوثی‌ها هدف قرار گرفت، به طور موقت بر تولید نفت این کشور تأثیر گذاشت و منجر به افزایش بیش از ۱۴ درصدی قیمت جهانی نفت در آخر هفته شد که بزرگ‌ترین افزایش بیش از یک دهه اخیر است (Gadzo, 2023).

بر اساس درک چینی‌ها از منطقه، ایران و عربستان سعودی «کشورهای محوری» هستند که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی آن‌ها شرکای ضروری پکن هستند و تعادل بین این دو را به مهم‌ترین راهبرد تبدیل می‌کند. برای هر دو کشور، چین بزرگترین شریک تجاری است. با این حال، تفاوت در سطوح تجاری قابل توجه است. در حالی که تجارت چین و عربستان در سال ۲۰۲۱ به ۸۷ میلیارد دلار رسید که با ۵۷ میلیارد دلار واردات نفت چین از این کشور تقویت شد، تجارت دوجانبه ایران و چین در همان سال کمی بالاتر از ۱۶ میلیارد دلار بود. ایران که زمانی یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان نفت چین بود، برای حفظ تراز تجاری با مشکل مواجه بوده استبه نفع آن با این وجودکن به تهران و ریاض وضعیت شرکای استراتژیک جامع - بالاترین در دیپلماسی مشارکت چین در خاورمیانه - اعطا کرده است. ، (Haghirian & Scita, 2023). بدین ترتیب باید گفت میانجیگری چین بین ایران و عربستان در راستای حفظ منافع این کشور بوده و موجب می‌شود تا در سایه منطقه امن بتواند منافع اقتصادی خود را دنبال کند.

جمع‌بندی

روابط بین ایران و عربستان سعودی همواره پیچیده بوده اسیت با این حال روابط دو کشور از سال ۲۰۱۶ به سمت تنش و قطع رابطه پیش رفت با این حال این روال تا چندین سال به سبب رقابت دو کشور در منطقه تأثیرات زیادی بر تحولات و وقایع داشته است. کشورهای منطقه تلاش های خود را جهت میانجیگری و تسهیل روابط دو کشور انجام دادند با این حال به نظر می‌رسد که وزن سیاسی آن‌ها به اندازه‌ای نبود که بتوانند دو کشور ایران و عربستان را به مرحله عادی‌سازی روابط برسانند. در نهایت میانجیگری چین بین ایران و عربستان موجب شد تا دو کشور بتوانند زمینه تنش‌زدایی را محیا ببینند و از آن استقبال کنند. چین که تا مدت‌ها خود را یک بازیگر اقتصادی در منطقه غرب آسیا نشان میداد از طریق این میانجیگری یک وجه فعال سیاسی و با تأثیرگذاری بسیار خود را به نمایش گذاشت و همانطور که به عنوان یک فعال بزرگ در سیاست جهانی تلاش کرده است تا خود را کشوری صلح جو و علاقمند به همکاری بین‌المللی نشان بدهد در این میانجیگری تلاش نمود که بین دو کشوری که با آن‌ها روابط سیاسی و اقتصادی مناسبی دارد ابتکار عمل به خرج بدهد.

هدف این پژوهش آن بود تا اهداف چین را از این اقدام دیپلماتیک مورد بررسی قرار دهد و بنابراین در پاسخ به اهداف چین از میانجیگری چین بین ایران و عربستان این یافته‌ها را می‌توان بیان داشت که اولاً چین در راهبرد خود برای توسعه روابط با ایران و عربستان سعی کرده است نقش میانجیگری و بازیگر بی طرف را بازی کند در حالی که آمریکا به عنوان رقیب چین در منطقه همواره خود را مدافع عربستان نشان داد بنابراین از این منظر چین توانست وزن سیاسی خود را نشان بدهد که نه تنها بین کشورهای منطقه دارای جایگاه مناسبی است بلکه پذیرش نقش چین به عنوان یک بازیگر سیاسی در کنار اقتصادی نیز با مورد توجه کشورها قرار دارد. از سوی دیگر چین با میانجیگری خود تلاش کرد تا نظم

منطقه‌ای که آمریکا همواره در بروز و تقویت ناامنی و تنش آن فعال بوده را با تنش‌زدایی بین دو بازیگر کلیدی و مهم منطقه یعنی ایران و عربستان تقلیل دهد. از سوی دیگر این تنش‌زدایی نشان دهنده این است که آمریکا و نظم منطقه‌ای پرآشوب دیگر پایداری خود را از دست داده است و نیاز به نظم جدید و تعاملات جدید است. پژوهش نشان داد که تنش‌زدایی ایران و عربستان در راستای منافع ملی چین است زیرا از یک سو امنیت انرژی این کشور تامین می‌شود. به عبارتی برای چین، روابط پایدار و صلح‌آمیز بین ایران و عربستان سعودی اهمیت دارد زیرا این دو کشور از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان نفت به چین هستند و از سوی دیگر منافع اقتصادی این کشور با هر یک از این کشورها و همچنین کشورهای منطقه نیازمند اطمینان از امنیت و محیط تنش‌زدای منطقه است. لذا، استقرار پایداری در این منطقه بهره‌وری و راحتی تجارت بین‌المللی را نیز بهبود می‌بخشد که در نهایت به تقویت منافع چین می‌انجامد. این مهم از طریق تنش‌زدایی ایران و عربستان بر ثبات و امنیت منطقه غرب آسیا می‌افزاید.

منابع

آقا علیخانی، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی و تأثیر آن بر ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۸، صص ۷۵-

۴۵

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۴۰۰)، نظریه، فرا نظریه و مفاهیم در روابط بین‌الملل، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی

زیبا کلام، صادق؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۲)، "امنیت انرژی و سیاست درهای باز تاجیکستان: جایگاه ایران در روابط اقتصادی- تجاری تاجیکستان"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۹۴-۷۵.

طیب، علیرضا؛ بزرگی، وحید (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، نشر مطالعات راهبردی

فرنیان، اصغر؛ شبانی، حلیمه (۱۴۰۱)، بررسی اهمیت جاده ابریشم در سیاست خارجی چین، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۴۸-۲۷

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۴)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، نشر سمت

واعظی، محمود (۱۳۸۶). میانجی‌گری در نظریه و عمل، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ایران.

Atlanticcouncilc. (2023). Experts react: Iran and Saudi Arabia just agreed to restore relations, with help from China. Here's what that means for the Middle East and the world:

<https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/experts-react/experts-react-iran-and-saudi-arabia-just-agreed-to-restore-relations-with-help-from-china-heres-what-that-means-for-the-middle-east-and-the-world/>

- ELdoh, M. (2023). Is Iran a Reliable Middle East Peace Partner?:
<https://www.geopoliticalmonitor.com/is-iran-a-reliable-middle-east-peace-partner/>
- Aboudouh, A. (2023). Retrieved from China's mediation between Saudi and Iran is no cause for panic in Washington:
<https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/chinas-mediation-between-saudi-and-iran-is-no-cause-for-panic-in-washington/>
- Gadzo, M. (2023). Retrieved from 'Changing global order': China's hand in the Iran-Saudi deal:
<https://www.aljazeera.com/news/2023/3/11/changing-global-order-china-restores-ties-with-iran-and-saudi>
- Haghirian, M., & Scita, J. (2023). Retrieved from The Broader Context Behind China's Mediation Between Iran and Saudi Arabia:
<https://thediplomat.com/2023/03/the-broader-context-behind-chinas-mediation-between-iran-and-saudi-arabia/>
- indonesia.mfa (1402), توافق ایران و عربستان سعودی برای صلح,
<https://indonesia.mfa.gov.ir/portal/newsview/716451>
- Jash, A. (2023). Retrieved from Saudi-Iran Deal: A Test Case of China's Role as an International Mediator:
<https://gjia.georgetown.edu/2023/06/23/saudi-iran-deal-a-test-case-of-chinas-role-as-an-international-mediator/>
- Pis. (2023). Retrieved from Mediation between Iran and Saudi Arabia: change in China's activism:
pis.ir/en/subjectview/722290/mediation-between-iran-and-saudi-arabia-change-in-chinas-activism